

حدیث غدیر از دیدگاه فریقین

□ خان محمد جعفری *

چکیده

در این نوشتار به صورت مختصر به دو بحث پرداخته شده است. در بحث اول حدیث متواتر غدیر از منابع اهل سنت و از زبان بزرگان و اندیشمندان اهل سنت نقل شده تا معلوم شود که حدیث غدیر در منابع معتبر و قابل قبول اهل سنت بدون کم و کاستی به کرات نقل شده است و کسی از فرهیختگان اهل سنت یافت نمی شود که وجود حدیث غدیر را منکر باشد و تمامی کتب قابل اطمینان در نزد اهل سنت حدیث غدیر را نقل کرده اند.

در بحث دوم به محتوا و معنا حدیث پرداخته شده است که منظور از ولایت در حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه چیست؟ گرچند اهل سنت منظور از ولایت را صرفاً دوستی و محبت با اهل بیت می دانند اما علماء شیعه باستناد به قراین موجود در حدیث، مقصود از ولایت را، خلیفه و منصب دینی میدانند و اینکه پیامبر(ص) حضرت علی(ع) بعنوان ادامه دهنده رسالت خودش معرفی کرده اند آنهم به دستور الهی و وحی یعنی خداوند به پیامبر(ص) و حی فرموده که حضرت علی (ع) را بعنوان جانشین خود معرفی کند تا رسالت دینی پیامبر(ص) را بردوش گرفته و به هدایت و رهبری مردم پردازد.

واژگان کلیدی: حدیث، غدیر، ولایت، فریقین.

مقدمه

بدو شک موضوع ولایت و غدیر از موضوعات مهم کلامی در نزد فریقین حساب می‌شود. اهل تشیع معتقداند که ولایت ائمه معصومین (ع) در غدیر خم کلید خورده است و پیامبر اکرم (ص) در آیین حج خود در غدیر خم، براساس دستور الهی و انجام رسالت دینی. مسئولیت بعد از خودش را به عهده امیر امیر المؤمنین (ع) و ائمه معصومین (ع) گذاشته است و به نحوی عموم مردم آن زمان را در غدیر خم از این رسالت دینی آگاه ساخت بلکه با لاتر از این، از عموم مردم آن زمان برای ولایت مولی علی (ع) بیعت گرفت و مردم هم بدون کدام مخالفت و به اتفاق آرا با حضرت علی (ع) بیعت کردند حتی ابوبکر، عمر و بزرگان از صحابه مقام ولایت را به حضرت امیر (ع) تبریک گفتند، تمام این جریان در حدیث غدیر خم اتفاق افتاد و تا زمان حیات رسول الله (ص) احدی هم حرف و حدیث نداشت و مولی علی (ع) را وصی و خلیفه پیامبر (ص) می‌دانستند اما بعد از رحلت جانگداز سرور عالم خلقت حضرت پیامبر (ص) حرف و حدیث شروع شد و اولین کسانی که حدیث غدیر را نادیده گرفتند و کج تفسیر کردند خلفا بناحق بنام ابوبکر و عمر بودند. این دو صحابه پیامبر (ص) حدیث غدیر را تفسیر به رای کردند تا خودشان به قدرت و مقام که شایسته آن نبودند برسند و از آن زمان فرقه بنام مخالف ولایت ائمه معصومین (ع) شکل گرفت و تا امروز دود آن به آسمان عالم بلند است.

و نماد این ایده و فکر امروز اهل سنت گردیده‌اند و بزرگان شان حدیث متواتر غدیر را بر خلاف منویات پیامبر (ص) تفسیر و تحلیل می‌کنند و می‌گویند منظور از ولایت امیر المؤمنین (ع) در حدیث غدیر توصیه به دوست داشتن امیر المؤمنین است نه تفویض منصب و مقام حکومتی و سرپرستی مردم بدین طریق بسیاری از مردم را به بیراهه و خلاف مسیر پیامبر (ص) سوق دادند در حال که به صراحت خود حدیث و قراین عقلی فراوان

مقصود پیامبر(ص) در حدیث غدیر تفویض ریاست و اداره و سرپرستی مردم به حضرت علی(ع) بود نه صرف دوست داشتن مردم.

این مقاله در دو بخش ارائه می‌شود:

بخش اول) اثبات متن حدیث غدیر در منابع معتبر اهل سنت و نزد اندیشمندان اهل سنت و منابع روایی قابل اطمینان اهل تشیع و بزرگان آنها.

بخش دوم) تحلیل و تفسیر متن حدیث که مقصود از ولایت در نزد دانشمندان شیعه و سنی چیست؟

بخش اول) وجود حدیث غدیر در منابع معتبر

الف) در قدم اول وجود حدیث غدیر را در منابع اهل سنت بررسی می‌کنم:

امام احمد بن حنبل در مسندش از زید ابن ارقم نقل می‌کند که گفت: با رسول خدا(ص) در دره‌ای بنام دره خم گرد آمدیم سپس دستور نماز داد آنگاه در نیمروز نماز را با حضرت پیامبر(ص) گذاردیم سپس خطبه خواند و در حالیکه پارچه‌ای بر روی درخت آویزان کرده بود که حضرت در سایه باشد تا آفتاب سوزان کمتر بر او بتابد، فرمود: آیا نمی‌دانید؟ آیا شاهد نمی‌دهید که من از هر مؤمنی به خود او سزاوارتر و اولی هستم؟ همه گفتند آری! فرمود: هر که من مولای او هستم، این علی مولای اوست، خداوندا دوست داشته باش هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد. (حنبل، المسند، ج ۴، ص ۳۷۲)

مسلم در صحیحش با سندی که به زید بن ارقم منتهی می‌شود این حدیث را آورده ولی خلاصه اش کرده است. می‌گوید: روزی در کنار آبی که آن را خم می‌نامند و بین مکه و مدینه واقع است پیامبر(ص) در میان مردم به سخنرانی ایستاد و پس از حمد و ثنائی الهی و پند و نصیحت فرمود: اما بعد هان ای مردم من انسانی مانند شما هستم بزودی فرستاده خدا خواهد آمد و من اجابت خواهم کرد و همانا در میان شما دو چیز گرانبها و سنگین می‌گذارم

نخست کتاب خدا است که در آن نور و هدایت است پس کتاب خدا را بگیرید و به آن تمسک جوئید و بسیار در باره کتاب خدا سفارش و تشویق کرد و سپس فرمود: و اهل که هرگز آن را از یاد نبرید.

امام احمد از طریق براء بن عازب به دوسند نقل کرده است که گفت: « با رسول خدا(ص) بودیم که در غدیر خم فرود آمدیم وقت نماز شد و همه با هم به نماز ایستادیم برای پیامبر(ص) فرشی زیر درخت انداختند ، آنگاه حضرت نماز ظهر را خواند و دست در دست علی(ع) گذاشت و فرمود : آیا نمی دانید که من برتر از مؤمنین به جانهای آنها هستم ؟ همه گفتند آری ! حضرت فرمود: آیا نمیدانید که من از هر مؤمنی به خویشتن خویش سزاوارترم ؟ گفتند آری! سپس دست علی را گرفت و گفت هر که من مولای او هستم پس علی (ع) مولای اوست خداوند! دوست بدار هر که ولایتش را بپذیرد و دشمن بدار هر که با او دشمنی کند. براء گوید : پس از آن عمر نزد علی(ع) آمد و گفت: خوشابه حال تو ای فرزند ابوطالب، اینک شما مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه ای گردیده ای (حنبل، مسند، ج ۴، ص ۲۸۱)

نسائی از علماء اهل سنت و صاحب سنن نسائی که یکی از کتب صحاح سته اهل سنت است در کتاب السنن الکبرا آورده است:

پیامبر(ص) از آخرین حج (حجة الوداع) بر می گشت و به غدیر خم رسید دستور داد همه متوقف شوند و بیاستند سپس فرمود: « بزودی دعوت خداوند را اجابت خواهم کرد همانا من دو چیز گرانها نزد شما می گذارم یکی بزرگتر از دیگری است یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیتم آنگاه فرمود: سپس نگاه کنید که چگونه با این دو رفتار می کنید نه درستی که این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد گردند سپس فرمود: خدا مولای من است و من مولای همه مؤمنان هستم بعد دست علی(ع) را گرفت و فرمود : هر کس من مولای او

هستم پس از این علی (ع) مولای اوست . بار پروردگارا کس که او را دوست میدارد، دوستش بدار و کسی که او را دشمن بدارد دشمنش دار. (نسائی، السنن، ج ۵، ص ۴۵)

نسائی در دو کتاب دیگرش نیز این حدیث را آورده است یکی فضائل صحابه ص ۱۵ دیگری خصایص امیر المؤمنین ص ۹۲.

ترمذی نیز در کتابش که جزء صحاح سته است می گوید: پیامبر (ص) فرمود: « هر که من مولای اویم پس از من علی (ع) مولای اوست . (ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۹۷)

ابن ماجه در سنن خود آورده : براء بن عازب گوید: در حجة الوداع در یکی از راهها رسول خدا (ص) پیاده شد و مردم را برای نماز جمع کرد و سپس دست علی (ع) را گرفت و فرمود: « آیا من از مؤمنان نسبت به جانشان اولی نیستم ؟ همه گفتند: بله، فرمود: آیا من بر همه مؤمنان ولایت نداریم؟ همه گفتند: بله. فرمود: پس این علی (ع) ولی هر کسی است که من ولی او هستم خداوند! دوستدار علی را دوست بدار و دشمن او را دشمن دار. (ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۳)

همین ابن ماجه در جای دیگری از سنن خود آورده است : « سعد بن وقاص از بی احترامی معاویه بر امیر مؤمنان علی (ع) غضبناک شد و در پاسخ معاویه گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: هر کسی که من مولای او هستم پس علی (ع) مولای اوست» (ابن ماجه ، سنن، ج ۱، ص ۴۳).

حاکم نیشابوری از دو طریق صحیح نزد شیخین (بخاری - مسلم) نقل می کند که گفت: « هنگامی که رسول خدا (ص) از حجة الوداع بازگشت در غدیر خم فرود آمد و دستور داد زیر درختها جمع شوند سپس فرمود: بزودی خدایم مرا دعوت می کند و من اجابت خواهم کرد و همانا میان شما دو چیز گرانبها قرار داده ام یکی از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا و عترتم پس چگونه بعد از من با آنها رفتار خواهید کرد و همانا این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه در حوض بر من وارد شوند آنگاه فرمود : خدای عز وجل مولای من و من مولای هر

مؤمنم سپس دست علی(ع) را گرفت و فرمود: هر که من مولای اویم بعد از این علی مولای اوست خداوندا دوست بدار هرکه ولایتش را بپذیرد و دشمن بدار هر که او را دشمن باشد(حاکم نشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۰۹)

. مرحوم محمد غزالی که از دانشمندان معروف و مطرح اهل سنت است در مورد حدیث غدیر میفرماید: و اجمع الجماهير علی متن الحديث من خطبته فی يوم عيد یزحم باتفاق الجميع و هو یقول « من كنت مولاه فعلى مولاه » از خطبه‌های رسول گرامی اسلام(ص) خطبه آن حضرت به اتفاق همه مسلمانان در روز عید غدیر خم است که در آن فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی مولا و سرپرست اوست. (محمد غزالی، احیاء علوم دین، ص ۱۸)

ذهبی از علما مشهور اهل سنت: و اما حدیث من كنت مولاه فله طرق جیده و قد أفردت ذلك ایضا و اما حدیث من كنت مولاه پس برای آن طریق روائی خوبی وجود دارد که در مورد آن نیز رساله ای نگاشته ام. (ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۴۳)

همین ذهبی در جای میفرماید: قال احمد بن عبدالله العجلي فی الشافعی: كان یتشیع و هو ثقة قلت و معنی هذا التشیع حب علی و بغض النواصب و ان یتخذہ مولا، عملا، بما تواتر عن نبینا(ص) من كنت مولاه فعلى مولاه.

ذهبی می‌گوید: عجللی در مورد شافعی می‌گوید: ثقة الست ولی به تشیع تمایل دارد من می‌گویم معنا تشیع یعنی داشتن حب علی و بغض نواصب و اگر شافعی علی(ع) را بعنوان مولا قبول داشته عملا بر اساس روایت متواتری است که از پیامبر(ص) به ما رسیده است: من كنت مولاه فعلى مولاه. (محمد ذهبی، تاریخ الاسلام ج ۱۴، ص ۳۳۸)

ابن حجر عسقلانی: و اما حدیث من كنت مولاه فعلى مولاه فقد اخرجہ الترمذی و النسائی و هو كثير الطرق جدا و قد استوعبها بن عقده فی كتاب مفرد و كثيره من اسانیدھا صحاح و حسان و اما حدیث من كنت مولاه فعلى مولاه ترمذی و نسائی این روایت را بیان کرده است

و طرق این روایت واقعا زیاد است و ابن عقده آنها را در کتابی جداگانه جمع آوری کرده است که بسیاری از اسناد آنها صحیح و حسن می باشد. (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری).
آلوسی از اندیشمندان و مفسران معروف اهل سنت و عن الذهبی ان من كنت مولاة فعلى مولاة متواتر یتیقن ان رسول الله (ص) قاله ذهبی گفته است: روایت من كنت مولاة فعلى مولاة آنچنان متواتر است که یقین پیدا می شود که سول الله (ص) آن را فرموده است. (محمود الالوسی، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۹ ر ۵)

مفسران کبیر جهان اهل سنت در مورد روایت غدیر سخنان دیگری هم دارد: نعم کبیر عندنا انه (ص) قال فی حق الامیر کرم الله تعالی وجهه هناك: من كنت مولاة فعلى مولاة. آری! در نزد ما اهل سنت ثابت است که پیامبر (ص) در حق علی (ع) فرموده است: من كنت مولاة فعلى مولاة.

و انت تعلم ان ذلك القول منه (ص) فی امیر المؤمنین کرم الله تعالی وجهه کان فی غدیر خم و می دانی که این قول رسول (ص) در مورد امیر المؤمنین (ع) در غدیر خم بیان شده است.

ابن حجر مکی از علما مورد قبول اهل سنت انه حدیث صحیح لامرئة فیه و قد اخرجہ جماعة کالترمذی و النسائی و احمد و طرقه کثیرة جدا ... و لالتفات لمن قدح فی صحته « حدیث غدیر حدیث صحیحی می باشد که در آن شکی نیست و گروه از علما همانند ترمذی و نسائی و احمد بن حنبل آن را روایت کرده است طرق روائی آن واقعا زیاد است ... و به نظر کسانی که در صحت این روایت اشکال می کنند اصلا التفاتی نیست (ابن حجر مکی، الصواعق المحرقة، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۷)

طبرانی از علما بنام و مشهور اهل سنت:

یحی بن جعه از زید بن ارقم روایت کرده است که همراه رسول الله (ص) به راه خویش ادامه میدادیم تا به غدیر خم رسیدیم در آنجا درختی بود که رسول الله به آن درخت اشاره

کرد و اصحاب زیر آن درخت را تمیز و مرتب ساختند و آن روز به اندازه هوا گرم بود که ما روز گرم و پر حرارتی را مانند آن روز ندیده بودیم در آنجا بود. که رسول خدا(ص) به ایراد خطابه پرداخت پس از حمد و ثنائی الهی، خطاب به مردم فرمود: هیچ پیامبر(ص) مبعوث نمی‌شود مگر آنکه نیمی از مقدار زندگی پیغمبر پیشین خود را عهده دار می‌شود، طولی نمی‌کشد که دعوت الهی را اجابت می‌کنم و دو اثر گران بار و گرانبها را در میان شما به جای می‌گذارم که اگر از خواسته و رویه آنها پیروی نمائید هرگز به کمراهی گرفتار نخواهید شد یکی کتاب خدا و دیگری عترت من است سپس دست علی(ع) را بدست گرفت و خطاب به مردم گفت: ای مردم چه کسی از جان و مال شما به شما از خود شما سزوارتر است؟ گفتند: خداوند و رسول او داناتر و اولی تر به جان و مال است آنگاه فرمود: من کنت مولاة فعلی مولاة (الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۷۱)

فخررازی از مفسران قابل اعتماد اهل سنت:

نزلت الایه فی فضل علی بن ابی طالب (ع) و لما نزلت هذه الایه اخذ بیده و قال (ص): من کنت مولاة فعلی مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه فلقیه عمر فقال: هنیئا لک یابن ابی طالب اصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنة و هو قول ابن عباس و البراء بن عازب و محمد بن علی. آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من الربک و....» (مائده / ۶۷) در فضیلت علی(ع) بر پیامبر(ص) نازل شد وقت این آیه نازل شد پیامبر(ص) دست علی(ع) را گرفت و فرمود: هر کس که من مولای او هستم این علی ولی و مولای اوست بعد دست به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کس را که علی(ع) را دشمن بدارد. اینجا بود که حضرت عمر به دیدار مولا علی(ع) آمد و عرضه داشت: این مقام و منصب بر فرزند ابی طالب مبارک باد، شما مولای من و مولای کل مردان مؤمن و زنان مؤمنه هستی.

فخر رازی راوی این حدیث را ، ابن عباس براء بن عازب و محمد بن علی معرفی می‌کند چون این سه نفر از راویان مورد وثوق علماء علم رجال هستند. (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۶، ص ۱۱۳)

ابن کثیر از فحول اهل سنت : ایشان در شأن نزول آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک و ...، (مائده/ ۶۷) و قد روی ابن مردویه من طریق ابی هارون عن ابی سعید خدری أنّها نزلت علی رسول الله (ص) یوم غدیر خم حین قال لعلی (ع) : من کنت مولاه فعلی مولاه ثم رواه عن ابی هریره و فیه انه الیوم الثامن عشر من ذی الحجة یعنی مرجعه من حجة الوداع. مرحوم ابن کثیر می‌فرماید: ابن مردویه از طریق ابی هارون و اواز ابی سعید خدری روایت کرده است که آیه فوق در غدیر خم بر پیامبر (ص) نازل گردیده در زمان که حضرت نبی مکرم اسلام برای علی (ع) فرمود : هر کسی که من مولای او هستم، علی مولای اوست بعد می‌گوید این روایت از طریق ابی هریره هم نقل گردیده است که در روز ۱۸ ذی الحجة یعنی حین برگشت پیامبر (ص) از حجة الوداع این جملات را فرموده است . (ابن کثیر، تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۸)

ابن عادل یکی از مفسرین مورد وثوق علماء اهل سنت ایشان در تفسیر آیات: سأل سائل بعذاب واقع (سوزه معارج/ ۱) می‌گوید : سائل حارث بن نعمان فهری بود و علت نزول آیه این است هنگامی که قول پیامبر (ص) مبنی بر اینکه هر که من مولای او هستم علی مولای اوست، به گوش او رسید . سوار بر ناقه خود شد و پیش پیامبر (ص) آمد و گفت : ای محمد امر کردی ما را که شهادت بدهیم خدای جز خدای واحد نیست و اینکه تو فرستاده از جانب او هستی و ما آن را پذیرفتیم ، امر کردی پنج بار در روز نماز بخوانیم و زکات اموال مان را بدهیم ما قبول کردیم ، امر کردی که در هر سال یک ماه روزه بگیریم و حج گذاریم ، ما پذیرتیم ولی اینکه پسر عمویت را بر ما برتری دهی هیچگاه راضی نمی‌شویم ، آیا آنچه گفتی از جانب خود بود یا از جانب خداوند ؟ پیامبر (ص) فرمود: به آن خدای که کسی غیر از او

خدا نیست قسم که آن حرف را از نزد خداوند گفتم پس در این وقت حارث می گوید : خدایا اگر آنچه محمد میگوید حق است، از آسمان بر ما سنگ فرود آر یا عذابی بر ما نازل کن پس به خدا قسم به ناقه اش نرسید مگر اینکه خدا سنگی به جانبش پرتاب کرد که از مغز سرش وارد شد و از دُبرش بیرون آمد و کشته شد. (ابن عادل، تفسیر اللباب، ج ۱۵، ص ۴۵۶)

احمد مغربی از علماء بزرگ اهل سنت می نویسد : حدیث غدیر صحیح است، ثابت شده است، متواتر است و بیش از صد طریق نقل شده است و خیلی از افراد این حدیث را بطور جداگانه نوشته است . (احمد مغربی، فتح الملک العلمی، ص ۱۲)

ابن عاصم دیگر عالم سنی نیز می نویسد: « من كنت مولاة فعلى مولاة » در نهایت صحت است که جماعتی از صحابه با طرق مختلف آن را نقل کرده اند و همه اینها با سلسله سندهای صحیح است (ضحاک بن عاصم ، کتاب السنه، ص ۵۲۲)

اسکافی عالم دیگر اهل سنت ادعای متواتر بودن حدیث غدیر در میان همه مسلمانان را کرده است. (محمد اسکافی، المعیار، ص ۷۱)

البانی که ازوی به بخاری دوران تعبیر می شود: حدیث الترجمة حدیث صحیح بشطریه بل اول منه متواتر عنه (ص) كما ظهر لمن تتبع اسانیده و طرقه . (البانی، سلسله الاحادیث، ج ۴، ص ۳۴۳) یعنی حدیث غدیر که حدیث مورد ترجمه است ، هم « من كنت مولاة فعلى مولاة » صحیح است و هم « اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » آن صحیح است. بلکه بخش اول متواتر است و کسانی که سند و طرق حدیث را تتبع کنند. به این نتیجه می-رسد.

بنا براین تمامی اهل سنت از مفسرین، محدثین اندیشمندان ، متفکران و مورخین مطرح آنها چون ابن جریر طبری، حدیث غدیر را قبول دارند، در اصل صدور حدیث غدیر احدی از علما و بزرگان اهل سنت شک ندارند و این حقیقتی است که در تمامی منابع معتبر اهل سنت موج می زند مرحوم علامه امینی دیدگاه بسیاری از اعاضیم و صاحب نظران اهل سنت

در مورد حدیث غدیر را بیان کرده است و به طور مفصل بحث صدور حدیث غدیر از پیامبر (ص) در منابع اهل سنت را مطرح کرده است و ثابت فرموده است که در اصل صدور حدیث غدیر در میان اهل سنت اتفاق و اجماع است.

«ب» وجود حدیث غدیر در منابع معتبر اهل تشیع:

بدون شک در میان علماء و بزرگان اهل تشیع اتفاق و اجماع بی‌بدیل در جهت صدور حدیث غدیر از وجود نازنین پیامبر (ص) شکل گرفته است به گونه‌ای که بسیاری از اهل فکر و اندیشه اهل تشیع، کتابهای مستقل در مورد حدیث غدیر نوشته است. حدیث غدیر یکی از مستندات محکم و قابل قبول ولایت اهل بیت (ع) در میان علما و اندیشمندان شیعه است لذا بسیاری از فحول و صاحبان قلم شیعیان روی این حدیث گرانبها مانور داده‌اند.

مرحوم علامه امینی (ره) با وقت گذاشتن و رعایت عدالت کامل به شرح و بسط حدیث غدیر پرداخته است و کتاب الغدیر را به یادگار گذاشته است که در نوع خود بی‌نظیر است چون در این کتاب تمام زوایای حدیث را روشن و به تمام شبهات پاسخ معقول و منطقی ارائه فرموده است. گذشته از متن حدیث در مورد اصل صدور حدیث در منابع اهل سنت نیز تحقیق گسترده و فراگیری نموده است و در پایان بحث قطعی الصدور بودن حدیث غدیر را به اثبات رسانده است. بنابراین وجود حدیث غدیر در میان اهل تشیع اتفاقی و اجماعی است. بنده به عنوان نمونه و تبرک به چند نمونه اشاره می‌کنم:

مرحوم شیخ صدوق از علمای نامدار و معروف شیعه با ذکر سلسله راویان حدیث که همه موثق و مورد اطمینان است حدیث غدیر را نقل کرده است که خلاصه آن چنین است:

حذیفه از نبی مکرم اسلام نقل می‌کند ایشان می‌گوید: نبی مکرم اسلام در آخرین حج که مشهور به حجۃ الوداع است رفت و بعد از اتمام حج برگشت، در منطقه بنام جحفه (غدیر

خم) فرود آمد و من هم همراه او بودم مردم هم دستور او را اطاعت کردند بعد مردم را بخواندن نماز دعوت کرد و مردم هم به امامت پیامبر (ص) نماز خواندند بعد پیامبر (ص) فرمود: من روزی از میان شما رخت سفر می‌بندم همانگونه که روزی شما هم به دیار ابد خواهی شتافت گویا اکنون وقت رفتن من فرا رسیده و باید ندای خداوند را لایک گفته و از میان شما خواهم رفت و من مسئول آن چیزی هستم که از جانب خداوند به شما برسانم و مسئول هستم که خلیفه بعد از خود را برای شما معرفی کنم و آن کتاب خدا و عترتم است بعد از مردم اعتراف گرفت که من پیامبر رسالت را بطور احسن ادا کردم و همه به این امر اعتراف کردند بعد فرمود: ای مردم آیا شهادت نمی‌دهید که خداوند واحد است؟ آیا من رسول خداوند نیستم؟ آیا بهشت حق است؟ آیا جهنم حق است؟ آیا دوباره زنده شدن بعد از مرگ حق است؟ همه شهادت دادند که همه‌ی این امور حق است بعد پیامبر (ص) فرمود: «خدایا شاهد باش بر آنچه این مردم گواهی دادند» بعد فرمود: ای مردم آگاه باشید که من شما را شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم که خداوند مولا و سرپرست من است و من مولا و سرپرست تمام مسلمانان هستم و من سزاوار به مومنین هستم نسبت به خودشان ای مردم شما به این امر شهادت می‌دهید و اقرار می‌دارید؟ همه آن جمعیت با صدای بلند اعتراف کردند و تصدیق نمودند گفتار نبی مکرم را آن گاه که زمینه مساعد شد، پیامبر (ص) فرمود: آگاه باشید: من کنت مولا فان علیا مولا... بعد دست علی (ع) را بالا کرد و فرمود: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره و اخذل من خذله. بعد فرمود: در فردای قیامت خواهم دید که شما با علی (ع) و اهل بیت من چه معامله‌ای کردید. (محمد بن علی الشیخ صدوق - الخصال، ج ۱، ص ۶۶)

مرحوم شیخ کلینی با سند معتبر استناد حضرت علی (ع) را به حدیث غدیر چنین نقل می‌کند: امیر المومنین علی فرمود: پیامبر (ص) به من خبر داد که شیطان و سران اصحابش نگران بودند که پیامبر (ص) در روز غدیر خم مرا به امر خدا و خداوند عزوجل به امامت و

خلافت بر مردم و برای مردم نصب کرد و به آنها خبر داد که من نسبت به آنها از خود آنها سزاوارترم و به آنها فرمود تا حاضران به غائبان برسانند و همه سران و شیطان‌های ابلیس گرد او آمدند و گفتند: همانا این امت، مرحومه و معصومه است و نه تو و نه ما را بر آنها راهی نیست. همانا پیشوا و پناهگاه خود را پس از پیغمبرشان دانستند. (مرحوم کلینی - روضه الکافی، ج ۸، ص ۱۸۲ و ۱۸۳)

مرحوم شیخ مفید (ره) در کتاب «الافصاح فی امامه علی» در موارد متعدد با عبارات گوناگون، به جریان غدیر خم تصریح دارد از جمله در صفحه ۶ همین کتاب میفرماید: از جمله روایات معتبری که جمیع مسلمین صحت آن را مسلم دانسته‌اند روایتی است که از کلام رسول خدا (ص) در جریان غدیر خم نقل کرده که اطاعت او بر مردم به عنوان ولی مسلمین واجب است؛ این کلام دلیل این است که بر مسلمین، امامت علی (ع) واجب بوده و بر سایر افراد امت بعد از رسول خدا (ص) مقدم بوده؛ اطاعت او در امر و نهی و تدبیر لازم و واجب می‌باشد هیچ فردی از مسلمانان در آن روز (روز غدیر خم) این مطلب را انکار نکرده‌اند و آن افراد با اذعان آن، این کلام رسول خدا را که «کسی که من مولای او هستم علی (ع) نیز بعد از من مولای اوست» در آن روز اطاعت کردند به این ترتیب، حدیث غدیر خم، حقیقت ولایت علی (ع) را اثبات می‌کند و اطاعت از امر و نهی و تدبیر و سیاست و ریاست غیر او را در ردیف او نفی می‌کند پس حدیث غدیر نص در ولایت علی (ع) است. (مرحوم شیخ مفید - الافصاح فی امامه علی (ع)، ص ۶)

مرحوم مجلسی در بحار الانوار (مرحوم مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۱۶) و مرحوم شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه (مرحوم شیخ حر عاملی - وسائل الشیعه - ج ۵، ص ۲۲۴) و تمامی بزرگان و اندیشمندان شیعه بر صدور حدیث ولایت از ناحیه پیامبر (ص) تاکید فرموده‌اند و کتاب‌های مفصل در این جهت به رشته تحریر درآورده‌اند.

بنابراین اصل صدور حدیث غدیر در نزد فریقین یقینی و قطعی است و احدی وجود چنین حدیث را انکار نکرده‌اند.

بخش دوم: دلالت حدیث ولایت و غدیر:

حدیث معتبر غدیر اساسی‌ترین و محکم‌ترین سند امامت حضرت علی و ائمه معصومین (ع) است لذا با اینکه تمام فرق اسلامی این حدیث را قطعی الصدور می‌دانند اما برای فرار از قبولی امامت و اینکه مقام و منصب امامت الهی است، دست به توجیهات غیر معقولانه و غیر علمی می‌زنند تا خلافت ابوبکر، عمر و عثمان را صبغه قانونی بدهند به همین دلیل عده از علماء اهل سنت با چشم بسته می‌گویند که مراد از مولا در حدیث ولایت ناصر، محب و... است یعنی همانگونه که من شما را دوست دارم و یا شما مرا دوست دارید علی (ع) هم چنین است این توجیه را بیشتر علماء سلفی مذهب مانند ابن تیمیه و... بر سر زبان‌ها انداخته‌اند در حالی که این توجیه با هیچ متمدن و معیار علمی و ادبی و عقلی سازگاری ندارد اما شیعه مولا را به معنای ولایت گرفته و معتقدند که نبی مکرم اسلام (ص) در این حدیث، سرنوشت امت را بعد از خودش روشن کرده است و به مردم در روز عید غدیر خم با صراحت تمام امام علی (ع) را بعنوان خلیفه و جانشین خود تعیین کرده است و قراین و شواهد فراوان وجود دارد که منظور و مقصود از مولا در حدیث غدیر ولایت و منصب امامت است.

بدون شک همه فرق اسلامی ولایت خود پیامبر (ص) را قبول دارند و اینکه این ولایت از جانب خداوند به پیامبر (ص) هدیه شده است و شیعه عین همین ولایت را برای امام علی (ع) و الائمه من ولده می‌دانند و اینکه استناد ولایت امیر المومنین به امضاء پروردگار عالم و اینکه امامت یک منصب الهی است. عصمت صاحبان ولایت به امضاء خدا و رسول است.

تعهد مردم در مقابل ولایت ائمه (ع) دقیقا مانند تعهدشان در مقابل ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد از همه مهمتر اینکه لازمه ی اثبات چنین محتوای بلندی، عدم مشروعیت هر ولایتی بدون اذن پروردگار و با انتخاب غیر خداوند است که خط بطلان بر هر دین و مذهبی می کشد که غیر ولایت اهل بیت (ع) را پذیرفته باشند در قدم اول خلاصه از جریان غدیر را عرضه می دارم بعد قرائن و شواهد مدقن را ارائه می کنم:

در حجه الوداع که آخرین حج نبی مکرم اسلام بود و حدود یکصد و بیست هزار نفر او را همراهی میکرد این آیات بر وی نازل شد: یا ایها الرسول بلّغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس (مائده-۶۷)

پیامبر (ص) از انجام چنین رسالت که اعلام ولایت عهدی امیر المومنین بود ترس و واهمه داشت که مبدا مردم این امر را نپذیرند و پیامبر (ص) را متهم به قبیله گرایی نماید ولی خداوند اطمینان داد که من شما را از این تهمت ها حفظ می کنم بعد پیامبر (ص) خطبه مفصل در غدیر خم ایراد کرد و بعد از شهادت به وحدانیت خداوند و اینکه خداوند مولا و سزاوار به رسول و امتش است فرمود: ایها الناس، من اُولی بکم من انفسکم؟ قالوا: الله و رسوله، فقال: الا من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عادٍ من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من خذله. مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ همه گفتند خداوند و پیامبر او! سپس فرمود: آگاه باشید! آن که من مولا و سرپرست او هستم پس این علی مولا و سرپرست اوست. خداوند دوست بدار هرکسی را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار کسی را که با او دشمنی کند.

بعد از اتمام خطبه این آیات بر نبی مکرم اسلام نازل شد که: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی... (سوره مائده آیه ۳)

آن گاه مردم آمدند با علی (ع) بیعت کردند و اولین کسی که بیعت کرد عمر بود که گفت: یابن ابی طالب شما مولا و سرپرست من هستی و سرپرست همه مردان و زنان هستی این

مقام از جانب خداوند به شما رسیده است و بر شما مبارک باد. (شیخ صدوق، الخصال، ج. ۲، ص ۶۶)

از آنجا که این حدیث، مهم‌ترین سند امامت امام علی (ع) است لذا بیشتر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است.

پیروان خلفاء ثلاثه برای خلافت خلفاء ثلاثه کلمه مولا در حدیث غدیر را توجیه می‌کنند که منظور دوست داشتن علی (ع) است بدین طریق خلافت ابوبکر و عمر و... را بر حق می‌دانند اما واقعیت امر چیز دیگری است. درست همان زمان که پیامبر (ص) رخت سفر بستند و امام علی (ع) و تنی چند از اصحاب وفادار نبی مکرم اسلام مشغول غسل و کفن پیکر او بودند عده‌ای در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و با پشت پا زدن به وصایای پرشمار پیامبر (ص) درباره امام علی (ع) و تعیین او به ولایت پس از خود در غدیر خم، ابوبکر را به خلافت مسلمانان برگزیدند از آن زمان تاکنون باورمندان به مکتب خلفاء، به شیوه‌های گوناگون کوشیده‌اند تا از خلافت آن سه دفاع کنند و یکی از راه‌های دفاع آنها توجیه کلمه مولا به معنای دوست است زهی خیال باطل چنین توجیه با هیچ منطقی سازگاری ندارد اما شیعیان با تکیه بر ادله قوی و محکم اثبات می‌کنند که واژه مولا در حدیث غدیر به معنای والی، حاکم و سرپرست امت است:

تبادر مفهوم حکومت از واژه مولی:

واژه «ولی» و «مولی» در لغت عرب گرچه به معانی مختلف آمده است، ولی هنگامی که بدون قرینه به کار می‌رود عرب معنای سرپرست و اولی به تصرف را از بطن این واژه می‌فهمد.

تبادر مفهوم حکومت، هنگام اضافه شدن. بر فرض که تبادر حکومت را از بطن لفظ مولا قبول نداشته باشیم می‌توان ادعای تواتر مفهوم حکومت از واژه مولی را هنگام اضافه شدن

واژه به افراد انسانی مطرح کرد مثلاً عرب می‌گوید: ولی و مولای زن یا ولی و مولای طفل که واژه ولایت در هر دو به معنای سرپرست است

مولی در استعمال قرآنی:

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آن واژه «مولی» در معنای اولویت، استعمال شده است مانند «بل الله مولاکم و هو خیر الناصرین» (آل عمران، ۱۵۰) و نیز در آیه «فالیوم لا یؤخذ.. لا یؤخذ منکم فدیة و لا من الذین کفروا مأویکم النار هی مولاکم و بشئ المصیر» (حدید، ۱۵)

فهم صحابه از واژه مولی:

هنگامی که به تاریخ مراجعه می‌کنیم و فهم و اظهار نظر اصحاب پیامبر (ص) در مورد ماجرای غدیر مورد توجه قرار می‌دهیم، این گونه به دست می‌آید که همه حاضران در روز غدیر خم از واژه مولی در خطبه غدیر معنای سرپرستی و اولی به تصرف و امامت را فهمیدند همانگونه که احمد بن حنبل در مسند خود ضمن بیان روایت صحیح السندی اینگونه آورده است که گروهی در کوفه خدمت امام علی (ع) رسیدند و چنین گفتند: السلام علیک یا مولانا! امام علی (ع) فرمود: «من چگونه مولای شما هستم در حالیکه شما قومی از عرب هستید؟» آنها در پاسخ گفتند: از پیامبر خدا (ص) شنیدیم که در روز غدیر خم فرمودند: من کنت مولاة فعلی مولاة» راوی در ادامه می‌گوید: یکی از آن افراد ابو ایوب انصاری، صحابی بزرگوار رسول خدا است» (احمد بن حنبل، مسند ج ۳۸، ص ۵۴۳، ج ۵۶۳.....)

حال اگر منظور از مولی، در این روایت، مفهوم دوست داشتن باشد معنای سخن امام چنین می‌شود «چگونه من دوست شما باشم در حالیکه شما قومی از عرب هستید؟» و این معنا منطقی و صحیح نیست زیرا دوست داشتن ربط به قومیت ندارد! بلکه آنچه منظور امام علی (ع) بوده این است که چگونه من امام و سرپرست شما باشم، در حالیکه شما عرب‌ها غیر از من را به خلافت انتخاب کرده‌اید؛ نتیجه‌ای که از این گونه روایات به دست می‌آید این است

که فهم صحابه پیامبر از طرح واژه مولی در روز غدیر همان امامت و سرپرستی بوده است نه دوستی!

سیاق کلام نبی مکرم اسلام:

پنجمین قرینه و شاهد بر اینکه مراد از «مولا» ولایت و سرپرستی امت است سیاق روایت است. پیامبر بزرگوار اسلام پیش از طرح ولایت امام علی (ع) و در صدر کلام خود چنین فرمود: «الست اولی بکم من انفسکم»؟ (حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۹) آیا من در امور شما از شما به خودتان اولی نیستم؟ همه گفتند آری! آن گاه پیامبر (ص) فرمود: «من کنت مولاہ فعلی مولاہ»؛ حرف «فاء» در جمله دوم نشانه تفریع معنای جمله دوم بر معنای جمله اول است. بنابراین معنای سخن پیامبر (ص) این می شود که آیا من در سرپرستی امور شما از شما به خودتان سزاوارترم؟ پس از من امام علی (ع) همان مقام را دارا می باشد. حال اگر واژه «ولایت» در معنای اول و دوم به معنای دوست داشتن باشد معنای سخن پیامبر (ص) این گونه می شود: آیا من از خود شما به شما دوست تر نیستم؟ پس این علی (ع) دوست شما است و در این صورت خطبه پیامبر (ص) معنای درستی نخواهد داشت و خلاف حکمت پیامبر (ص) خواهد بود و اگر ولایت در کلام به معنای اولی بالتصرف و در ذیل آن معنای دوست باشد باز هم کلام پیامبر (ص) معنای حکیمانه و معقولانه ای نخواهد داشت زیرا معنای آن حدیث این می شود که آیا من از خود شما به شما سزاوارتر نیستم؟ پس این علی دوست شما است و این معنا با عقل و منطق پیامبر (ص) سازگاری ندارد بنابراین جمله اول پیامبر (ص) بهترین گواه بر این است که مراد از مولا در هر دو جمله معنای واحد است و آن هم سرپرستی و حاکم بودن پیامبر (ص) و علی (ع) بعد از پیامبر خاتم می باشد.

دل‌داری به پیامبر و اعلام اکمال دین:

روایات فراوانی در کتاب‌های شیعه و سنی وجود دارد که حکایت از نگرانی پیامبر (ص) از طرح مسئله ولایت امام علی (ع) در میان مسلمانان دارد پیامبر (ص) می‌ترسید که طرح مسئله امامت امام علی (ع) موجب به خطر افتادن جان خود و امام علی (ع) و نزدیکانش شود و یا به آشوب‌هایی در میان جامعه‌ی اسلامی دست زند، پیامبر (ص) ترسناک از این بود که گفتارش را تکذیب کنند و سخنش را نپذیرند. (جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۱۹)

حال سوال این است که پیامبر خدا (ص) از چه چیز می‌ترسید؟ آیا توصیه و نصیحت مردم به دوست داشتن علی (ع) مسئله حساسیت برانگیزی بود؟ قطعاً چنین نبود چون پیامبر (ص) بارها و بارها به محبت امام علی (ع) و خاندانش توصیه کرده بود و هیچ‌گونه مشکل پیش نیامده بود بنابراین در حدیث غدیر موضوع مهم و سرنوشت‌سازی مطرح بوده که پیامبر (ص) از عواقب آن هراسان بود و آن هم موضوع خلافت بود که ممکن بود تفرقه‌ها و دشمنی‌ها را برانگیزد لذا خداوند به پیامبر (ص) دستور فرمود که موضوع مهم را (خلافت علی (ع)) را بیان کن از ناحیه مردم هیچ‌گزندی هم به شما نمی‌رسد.

نکته قابل توجه اینکه بعد از بیان ولایت امیر المومنین (ع) آیه اکمال دین نازل شد که: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ص ۲۲۱)

حال سوال این است که اگر منظور از ولایت، صرفاً دوستی امام علی (ع) می‌بود آیا عاقلانه و قابل‌باور خواهد بود که با بیان دوستی با علی (ع) دین کامل گردد در حالیکه پیش از غدیر هم بارها پیامبر (ص) مردم را به محبت و مودت با علی (ع) و خاندانش دعوت کرده اما هیچ‌گاه آیات اکمال دین در آن زمان نازل نگردید پس عقل سلیم حکم می‌کند که در حدیث غدیر موضوع مهم و اساسی مطرح شده که باعث کمال دین گردیده است و آن فقط بیان اختصاص منصب ولایت و امامت از ناحیه خداوند به امام علی (ع) خواهد بود البته واضح است که

رهبران الهی رابطه آمیخته با محبت و دوستی با مردم دارند و رهبری آنها بر مبنای دوستی خدایی به مردم و سعادت آنها است بنابراین مفهوم ولایت در جمله من کنت مولا ... امامتی است که مفهوم محبت هم در آن نهفته است.

واژه ولایت به معنای حکومت در کلام شیخین (ابوبکر، عمر)

اولا در بسیاری از موارد در کلمات صحابه مولا به معنای سرپرست به کار برده شده است که قابل شمارش نیست حتی خود جناب ابوبکر و عمر از واژه ولی به معنای حکومت استفاده کرده است:

الف- ابوبکر و عمر خود را ولی خدا می دانستند: مسلم نیشابوری در صحیح خود به نقل از خلیفه دوم آورده است: پس از وفات رسول خدا (ص) ابوبکر گفت: انا ولی رسول الله یعنی من جانشین رسول خدا هستم شما دو نفر (عباس و علی) آمدید و تو ای عباس میراث برادرزاده‌ات را درخواست کردی و تو ای علی! میراث فاطمه دختر پیامبر (ص) را عمر در ادامه می گوید: پس از مرگ ابوبکر، من جانشین پیامبر (ص) و ابوبکر شدم باز هم شما دو نفر مرا خائن، دروغگو، حيله گر و گنه کار خواندید. (مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۷۷)

ب- ابوبکر خود را ولی مسلمانان می دانست:

ابوبکر پس از رسیدن به خلافت، در برخی از خطبه‌هایش از واژه ولایت برای جایگاه خود بهره برده است: طبری می گوید: «لَمَّا وَلِيَ ابوبکر، خطب الناس محمد الله و اثنی علیه ثم قال: اما بعد «ایها الناس فقط ولیتکم و لست بخیرکم» چون ابوبکر به خلافت رسید برای مردم سخنرانی کرد و پس از حمد و ثنای الهی گفت: ای مردم! من حاکم شما شدم درحالیکه بهترین شما نیستم (بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۹۰)

حال چگونه است که علماء اهل سنت در این جمله و امثال آن «ولی» را به معنای خلیفه و سرپرست گرفته‌اند ولی در حدیث غدیر، با آن که در صدر حدیث قرینه: «قال: الست اولی بکل مومن انفسه؟» (ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۳) وجود دارد ولی را به معنای سرپرست نگرفته‌اند.

جو و فضای موجود در حجة الوداع و غدیر:

پیامبر در آخرین حج خود حدود ۱۲۰ هزار جمعیت را همراه خود به حج آورده بود آنگاه وقت برگشت به منطقه غدیر، یکدفعه فرمان داد که ای مردم متوقف شوید که اینک موضوع مهم و حیاتی که از جانب خداوند برایم آمده به شما بگویم و فرمود آنهایی که جلو رفته‌اند برگردند و آنهایی که عقب مانده‌اند سریع خود را برسانند از طرف دیگر هوای آن روز هم به شدت گرم و آزار دهنده بود، وقتی همه جمع شدند در مرحله اول از رفتن خود به دیار ابدی سخن گفت وقتی زمینه آماده شد فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه؛ قطعاً در این بیان موضوع مهمی نهفته بود که همان مسئله ولایت و امامت علی (ع) باشد و الاً به دور از عقل و منطق است که پیامبر (ص) در آن شرایط دشوار مردم را زیر آفتاب سوزان جمع کند و بگوید ای مردم همان گونه که مرا دوست دارید علی را هم دوست داشته باشید. به طور یقین مراد نبی مکرم اسلام از مولا، همان منصب امامت و سرپرستی بود نه صرف دوست داشتن به همین دلیل عمر بعد از اتمام خطبه خدمت امام علی (ع) آمد منصب ولایت را تبریک گفت و با صدای بلند عرضه داشت یا علی بن ابی طالب انت مولای و مولای کل مومن و مومنه و اگر فهم مردم و عمر از مولا فقط دوست داشتن بود، تبریک و بخ بخ معنا نداشت.

فوق تواتر حدیث غدیر گویای این حقیقت است که مراد از مولا منصب امامت می‌باشد: حدیث غدیر به حدی متواتر است که هیچ کسی نمی‌تواند در صدورش تشکیک کند (ابوحامد غزالی، سر العالمین و کشف ما فی الدارین، ص ۲۱)

این حدیث آن قدر نقل شده است که به جرئت می‌توان گفت: هیچ حادثه تاریخی در اسلام به این حد از تواتر نرسیده است.

علامه امینی حدود یکصد و ده نفر از صحابه را نام می‌برد که این حدیث را نقل کرده است (عبدالحسین امینی، الغدير فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۱، ص ۱۶۱)
 افرادی مانند خود امیر المومنین (ع)، فاطمه زهرا (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، سلمان فارسی، مقداد، اسما بنت عمیس، ام هانی، جابر بن عبدالله انصاری، ابوبکر بن ابی قحافه (غاصب اول) عمر بن خطاب (غاصب دوم)، عثمان بن عفان (غاصب سوم)، اسامه بن زید، ابوهریره، ابن کعب، عایشه، عمرو بن عاص حتی در میان اهل سنت هم این حدیث تواتر دارد و بزرگان اهل سنت آن را نقل کرده است.

دانشمندانی مثل:

ابوعیسی ترمذی (ترمذی - تحقیق احمد محمد شاکری، ج ۵، ص ۶۳۳)
 ابوجعفر طحاوی (احمد بن محمد طحاوی - مشکل الآثار، ج ۵، ص ۱۳)
 احمد غزال (ابوحامد غزالی - سر العالمین و کشف ما فی الدارین، ص ۲۱)
 ابن کثیر شافعی (ابن کثیر - البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۲۸)
 ابن حجر عسقلانی (ابن حجر - فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۷۴)
 محمد آلوسی (آلوسی - روح المعانی، ج ۳، ص ۳۶۳)
 ابن ابی الحدید (ابن ابی الحدید - شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، خطبه ۱۵۴، ص ۲۱۷)
 و تعداد زیادی که ذکر آنها در این گفتار نمی‌گنجد.

حال آیا منطقی و قابل باور است که حدیثی به این حد از تواتر و توجه اندیشمندان جهان اسلام بیانگر یک امر عادی و پیش پا افتاده باشد که پیامبر (ص) گفته باشد ای مردم علی را دوست بدارید؟!

هر انسانی که ذره‌ای وجدان داشته باشد و حب و بغض شخصی را کنار بگذارد بطور یقین قضاوت خواهد کرد که پیامبر (ص) در این حدیث متواتر مطلب مهم‌تری را مورد توجه قرار داده است که فوق محبت علی (ع) می‌باشد و آن موضوع مهم همان تفویض منصب امامت و جانشینی علی (ع) می‌باشد و اینکه پیامبر (ص) مامور بوده از جانب خداوند که خلیفه بعد از خودش را برای مردم معرفی کند چون منصب امامت بعد از نبی (ص) هم باید الهی باشد و خداوند کسی را بعنوان زمامدار مردم بعد از پیامبر (ص) معرفی می‌کند که معصوم و مصون از خطا باشد تا امت را به شکل صحیح و در مسیر مستقیم رهبری کند و امام علی (ع) به گواهی تاریخ، معصوم و محفوظ از هرگونه خطا بوده لذا نبی گرامی اسلام طبق ماموریت الهی خود، در حدیث غدیر، با بیان بسیار شیوا و صریح فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه. بدین طریق مقام خلیفه و جانشینی خود را به امام الموحدین و امیر المومنین علی (ع) اعطا کرد.

بنابراین با توجه به مستندات و دلایل که ذکرش رفت مراد از مولا در حدیث غدیر، ولایت و سرپرستی می‌باشد نه فقط محبت و مودت و این حقیقتی است که نه تنها اندیشمندان شیعه بر آن اجماع دارند بلکه بسیاری از روشنفکران واقع نگر اهل سنت هم بدان اعتراف کرده‌اند که بنده به چند نمونه از آن اشاره می‌کنم:

الف - ابو حامد غزالی (۵۰۵ هـ)

وی همانگونه که در شرح حال و شناخت شخصیت او آمده یکی از اعظام و اکابر علماء اهل سنت است می‌فرماید:

لکن حجت روی خود را آشکار نمود و جمعیت مردم برای شنیدن متن خطبه حدیثی که در روز غدیر خم که مورد اتفاق همه می‌باشد جمع گردید در آن خطبه پیامبر (ص) فرمود: «هرکس من مولای اویم علی مولای اوست» همین جا بود که عمر به علی (ع) گفت: یا ابالحسن! تبریک، تبریک! از این به بعد تو مولای من و مولای هر زن و مرد مومنی گردیدی

این سخن عمر در حقیقت تسلیم در برابر امر و رضایت و تحکیم آن بود. اما بعد از آن بود که هوی و هوس برای حب ریاست بر او غلبه کرد و او عمود خلافت را بر دوش گرفت و قرارها و پیمان‌ها در خفقان هوی و هوس و زد و خورد نیزه‌ها و ازدحام اسب‌ها و سپاهیان و لشکرکشی برای فتح کشورها فراموش شد و آنها از شراب هوی و هوس سیراب گردیدند و به همین خاطر بود که مردم به همان اختلافات روز بازگشتند و عهد و پیمان خود را پشت سر افکندند و آن را به قیمت اندک فروختند.

در این بیان کلام غزالی صراحت دارد که منظور پیامبر (ص) از کلمه مولا واگذاری منصب ریاست و سرپرستی و امامت بوده است نه امر دیگر (غزالی - مجموعه رسائل الامام الغزالی ص ۴۸۳)

ب- محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲هـ)

از علماء بزرگ اهل سنت در قرن هفتم می‌گوید: معنای حدیث غدیر این است: هرکس که من بر او اولی و سزاوارترم و یا ناصر و وارث و یا پشتیبان و دوست صمیمی او هستم علی (ع) برای او این چنین است و این کلام صریح در تخصیص علی به این منقبت بلند بوده و او را برای دیگران مانند خود قرار داده و این خصوصیت را برای دیگران قائل نشده از این رو دانسته می‌شود که این حدیث از اسرار سخن خدای تعالی است که مضمون آن در آیه مباهله هم آمده است پس به درستی که علی (ع) از همه کس بر مومنین اولی و سزاوارتر است و ناصر مومنین و سید و آقای مومنین است و هر معنائی که امکان داشته باشد از لفظ مولی برای رسول خدا (ص) اثبات کنیم همان را برای علی (ع) میتوان ثابت نمود و این مرتبه بلند و والا منزلتی دست نیافتنی و درجه‌ای عالی و مکانتی رفیع است که پیامبر (ص) آن را به علی و نه به دیگری اختصاص داده است و از این رو است که روز غدیر، عید و موسم سرور برای دوستان علی علیه السلام گشته است. (شافعی محمد بن طلحه، مطالب المسؤل، ص

ج- مقریزی:

تقی الدین مقریزی (۸۴۰ هـ) از شخصی به نام ابن زولاق مطلبی نقل می‌کند و بدون رد آن اینگونه می‌آورد ابن زولاق گفته است: در روز هیجده ذی الحجه سال ۳۶۲ هـ که این روز غدیر می‌باشد جمعی از مردم اهل مصر و مغاربه و توابع آن برای دعا دور یکدیگر جمع می‌شوند، چون این روز، روز عید است به این علت که رسول الله صلی الله علیه و سلم امیر المومنین علی بن ابی طالب را در این روز به خلافت برگزید. (مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، ص ۲۵۵) مقریزی هم مولی را به معنای سرپرستی گرفته است. در مجموع بسیاری از علماء مطرح و مورد قبول اهل سنت وجدان‌شان را زیر پا نگذاشتند و متن حدیث غدیر را همانگونه که پیامبر (ص) می‌خواست تفسیر کردند و اقرار و اعتراف نمودند که پیامبر (ص) امام علی (ع) را در غدیر خم بعنوان خلیفه و جانشین خود انتخاب کرد و مراد از مولا هم منصب امامت است و تا زمان حیات رسول الله (ص) همه اصحاب و تابعین و... با تمسک به حدیث متواتر غدیر، امام علی (ع) را خلیفه بر حق پیامبر (ص) می‌دانستند و احدی از مردم مخالفت نمی‌کردند اما بعد از رحلت رسول مکرم اسلام، عده‌ای که در زنجیر هوی و هوس اسیر شدند، آلم مخالفت برداشتند و حدیث معتبر غدیر را نادیده گرفتند و منصب خلافت را با حيله‌ها و نیرنگهای شیطانی خود غصب کردند و امام علی (ع) را خانه نشین کردند آن گاه از طریق زر و زور علما را مجاب کردند که به حدیث غدیر دستبرد بزنند و متن حدیث را به گونه دلخواه اُمرأ و حکما توجیه نمایند و اینکه خلافت مسند الهی نیست تا پیامبر (ص) آن را به کسی واگذار نماید و منظور از مولا هم محبت و مودت است بدین طریق بزرگترین ظلم و ستم بر دین مقدس اسلام بویژه اهل بیت پیامبر (ص) رقم خورد و جهان اسلام دچار تفرقه خانمان سوز شد که قیامت استخوان مسلمانان را می‌سوزاند. سرانجام تمام مشکلات و گرفتاری که امروز دامن‌گیر مسلمانان شده و جامعه اسلامی در آتش نفاق و کینه و اختلاف می‌سوزد جرعه‌اش از همان زمان زده شد که مردم و خودخواهان

دستور پیامبر (ص) را نادیده گرفتند و قطار اسلام را از ریل اصلی شان که پیامبر (ص) با الهام از وحی الهی پایه گذاری نموده بود منحرف کردند و منصب الهی یعنی امامت را به کسب قدرت و زر و زور تنزل دادند و به طور روشن از دستورات الهی سرپیچی کردند برآستی که وضعیت مسلمانان در شرایط امروز به گونه ای که خون و مالشان ارزش ندارد و همه در چنگال مسیحیت و یهودیت گرفتار شدند و با هر آوازی که آنها سر می دهند می رقصند و از حقوق اولیه انسانی هم محروم هستند.

نتیجه بحث

بدون تردید خداوند متعال که قلم آفرینش را بدست گرفت و موجودی بنام انسان را در صفحه گیتی پدید آورد برای زندگی و آسایش و رستگاری او هم برنامه و قانون وضع کرد و حدود ۱۲۴ هزار پیامبر را برای راهنمایی و هدایت و اداره انسان ها مبعوث کرد که خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) بود و از طریق وحی تمام برنامه و قانون را به وی ابلاغ کرد تا مردم گمراشته نشوند. رسول گرامی اسلام در طول حیات خود رسالت مقدس الهی را به وجه احسن ادا کرد و در آخرین روزهای حیات طبق وحی الهی رسالت رهبری جامعه را بر دوش امام علی (ع) گذاشت که اگر مسلمانان به دستور نبی مکرم اسلام عمل میکردند و به امامت امام علی (ع) پایبند و استوار می ماندند جهان امروز در گلستانی از سعادت و آرامش زندگی می کردند امام مع الاسف وصیت پیامبر (ص) نادیده انگاشته شد و جهان اسلام در تاریکی مطلق فرو رفت که امیدوارم با ظهور مولا و سرورمان امام عصر، این تاریکی به روشنایی تبدیل شود به امید آن روز.

کتابنامه

-
- ابن ابی الحديد-شرح نهج البلاغه-دار الكتب العلميه-بيروت-لبنان ۱۶۷۸ ق.
- ابن حجر الهيتمي المكي-الصواعق المحرقة على اهل الرفض و الضلال و الزندقه-دار النشر:موسسه الرساله-لبنان ۱۴۱۷ ه.ق الطبعه الاولى
- ابن حجر عسقلاني-فتح الباري في شرح صحيح البخاري-ناشر: دار الكتب العلميه-بيروت-لبنان-سال نشر ۱۴۲۴ ه.ق
- ابن عادل- تفسير اللبا-ناشر: دارالكتب العلميه ۱۴۱۹-
- ابن كثير- البدايه و النهايه-ناشر: دارالفكر-بيروت-لبنان- چاپ ۱/
- ابن كثير-تفسير القرآن العظيم-دارلطبيه للنشر ۱۴۲۰ ه.ق
- ابن ماجه-سنن-دار الاحيا التراث العربى-بيروت ۱۳۹۵ ه.ق
- ابوالقاسم الطبرانى-المعجم الكبير، ناشر: مكتبه الزهرا الموصل ۱۴۰۴
- احمد بن حنبل-المسند-ناشر: دارالمعارف-قاهره-مصر سال ۱۳۹۱ ه.ش
- احمد بن محمد طحاوى-مشكل الآثار-ناشر: مطبعه مجلس دايره المعارف النظاميه، ۱۳۳۳ ه.ق
- احمد مغربى-فتح الملك العلى-ناشر: مكتبه الامام امير المومنين(ع) الغامه- اصفهان، ايران.

- احمد نسائی - خصایص امیر المومنین - ناشر: امیر کبیر سال ۱۳۹۰ ش
- احمد نسائی - السنن الکبری - دار الکتب العلمیه - بیروت - چاپ اول ۱۴۱۱ ه.ق.
- احمد نسائی - فضائل الصحابه - ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت - لبنان سال نشر ۱۴۰۵ ه.ق
- بلاذری - انساب الاشراف - ناشر: دارالفکر - بیروت - الطبعة الاولى ۱۴۱۷ ه.ق
- جلال الدین سیوطی - الدر المنثور - ناشر: دارالفکر - بیروت - لبنان.
- شیخ حر عاملی - وسائل الشیعه - ناشر: موسسه آل البيت لاحیاء التراث - ۱۳۶۷
- شیخ صدوق - الخصال - ناشر: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- شیخ کلینی - روضه الکافی - منشورات فجر - بیروت - لبنان الطبعة الاولى - ۱۴۲۸ ه
- شیخ مفید - الافصاح فی الامامه - ناشر: کنگره شیخ مفید - قم سال ۱۴۱۳ ق.
- ضحاک ابن ابی عاصم - کتاب السنه - المکتبه الاسلامی - بیروت - لبنان - چاپ سوم ۱۴۱۳.
- عبدالحسین امینی - الغدير - ناشر: دارالکتب الاسلامیه - تهران ۱۳۷۲ ق.
- فخر رازی - مفاتیح الغیب - موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی - انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران - تهران ۱۳۶۳ چاپ ۱.
- محمد اسکافی - المعیار و الموازنه - نشر نی - ۱۳۷۴ قم
- محمد آلوسی - روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم دار النشر: دار الکتب العلمیه - بیروت - لبنان - سال نشر ۱۴۱۶
- محمد باقر مجلسی - بحار الانوار - انتشارات اسلامیه.
- محمد بن طلحه شافعی - مطالب السؤل - ناشر: موسسه البلاغ - بیروت - لبنان - چاپ ۱ - سال نشر ۱۴۱۹ ه.ق
- محمد ترمذی - سنن ترمذی - دار الفکر بیروت ۱۴۰۳ ق.
- محمد ذهبی - تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام - دار النشر: دار الكتاب العربی - بیروت ۱۴۰۷ ه الطبعة الاولى

- محمد ذهبی- تذکره الحفاظ- دار النشر: دار الکتب العلمیه- بیروت- لبنان چاپ اول ۱۴۲۸
- محمد غزالی- سر العالمین و کشف ما فی الدارین- دار النشر: دار الکتب العلمیه- بیروت- لبنان ۱۴۲۴ ه.ق چاپ اول
- مسلم- صحیح مسلم- چاپ دار الطباعه العامره- استانبول- ۱۳۳۴.
- مقریزی- المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار- ناشر: دار الکتب العلمیه- بیروت- لبنان- طبعه الاولی ۱۴۱۸ ه.ق

